**مقايسه فلسفه اجتماع / فلسفه تاريخ**

**مرتضي مطهري با کارل مارکس**

محمود تقي‌زاده داوري (Ph.D) / دانشيار دانشگاه علامه طباطبايي;

[davari@atu.ac.ir](mailto:davari@atu.ac.ir)

سلام

چکيده مقاله جناب آقاي دکتر محمود تقي زاده داوري دانشيار دانشگاه علامه طباطبايي با موضوع «مقايسه فلسفه اجتماع / فلسفه تاريخ مرتضي مطهري با کارل مارکس» براي همايش بين المللي بازانديشي آراي استاد شهيد مطهري ره در مواجهه با مسائل امروز به پيوست ارسال شد.

با تشکر

آزرم

--

mohammadkazemazarm

[kazemazarm@gmail.com](https://mail.motahari.ir/owa/redir.aspx?C=sGTpM8EXBn9z3cv0ffYvnrO7_s-JtntLREK0sj3pVHu1hubItyrXCA..&URL=mailto%3akazemazarm%40gmail.com)  
02532804636  
09220664127

**چکيده**

فلسفه اجتماع و فلسفه تاريخ استاد شهيد مرتضي مطهري; (1298ـ1358) تماماً در نقد ديدگاه‌هاي اجتماعي و تاريخي کارل مارکس (1818ـ1883م) نظريه‌پرداز برجسته جوامع سوسياليستي و کمونيستي قرن گذشته و نيز نقد پيروان چپ‌گراي داخلي آنها به تحرير درآمده است. در فلسفه اجتماع، مارکس، انسان را موجودي صرفاً اجتماعي (generic) تصوير مي‌کند و اصالت را به جامعه ‌مي‌دهد (collectivism) و فرد را موجودي کاملاً منفعل و تأثيرپذير قلمداد مي‌کند. در حالي که مطهري، در عين اينکه انسان را موجودي اجتماعي تلقي کرده (الانسان مدني بالطبع) ولي به فطرت فرد انساني نيز معتقد است و از اين رو اصالت را هم به فرد مي‌دهد و هم به جامعه (individualism & collectivism) و فرد را در مقابل جبرهاي اجتماعي کاملاً منفعل و پذيرنده تصور نمي‌کند. در فلسفه تاريخ، مارکس به پراکسيس (praxis) معتقد است و جوهره انسان را در کار جمعي او که ذاتاً متحول و متکامل است، جست‌وجو مي‌کند و از اين رو به اصالت اقتصاد و ماترياليسم تاريخي باور دارد در حالي که‌ مطهري به روابط متقابل ايده و عمل، انديشه و کار و نهايتاً تقدّم ايده و انديشه بر عمل و کار اعتقاد دارد و از اين رو نقش نخبگان و انسان‌هاي داراي فکرهاي بلند و سازنده را در تحوّلات تاريخي بشر برجسته مي‌سازد.

کليدواژه‌ها: مرتضي مطهري، کارل مارکس، اصالت فرد، اصالت جامعه، فلسفه اجتماع، فلسفه تاريخ، پراکسيس، ژنريک.